

تحلیل کنش‌های گفتاری در سوره الاسراء بر پایه نظریه آستین و سرل

مهدی اسمعیلی صدرآبادی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹)

چکیده

نظریه کنش گفتار از جمله مباحث مهم تحلیل گفتمان در حوزه زبان‌شناسی است که در ابتدا به وسیله آستین مطرح گردیده و بعد از او سرل آن را طبقه‌بندی کرد. در نظریه گفتار سرل، جملات تحت پنج عنوان دسته‌بندی می‌شوند. این عناوین عبارت است از: کنش اظهار، کنش ترغیبی، کنش عاطفی، کنش تعهدی و کنش اعلامی. این پژوهش در صدد است که با استفاده از روش تحلیل گفتمان به بررسی و تحلیل کنش‌ها در سوره الاسراء بپردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد کنش اظهار در قالب‌هایی نظیر خبری در سوره الاسراء کاربرد زیادی دارد. کنش ترغیبی با هدف تشویق و ترغیب به اعمال نیکی نظیر انفاق، احسان و نیکی به پدر و مادر در سوره الاسراء تجلی یافته است. کنش تعهدی در سوره الاسراء در قالب متعهد شدن گوینده به عمل یا رفتار تحقق یافته که وعده‌های الهی نظیر ماندن حق و نابود شدن باطل شواهد مثالی در این زمینه است. کنش عاطفی در سوره الاسراء در قالب‌هایی نظیر اوصاف الهی نظیر «رحیم» در فواصل این سوره تجلی یافته است. کنش اعلامی نیز در قالب‌هایی نظیر اعلام نحوه و موجودیت روح در این سوره خود را نشان داده است.

کلید واژه‌ها: کنش، گفتار، سوره اسراء، آستین، سرل.

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، حضرت نرجس(س)، دانشگاه ولی عصر(عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران؛
esmaeili.sadr@gmail.com

۱. مقدمه

قرآن کریم، در مقام عالی‌ترین متن وحیانی و تربیتی، نه تنها حامل مفاهیم توحیدی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی است، بلکه ساختاری زبانی منسجم و هدفمند دارد که فهم دقیق آن، نیازمند بهره‌گیری از رویکردهای زبان‌شناسانه نوین است. بر این اساس، در دهه‌های اخیر، نظریه‌کنش‌های گفتاری جان سرل (Searle, 1969) به‌عنوان یکی از مؤثرترین رهیافت‌های تحلیل زبان، امکان جدیدی را برای شناخت دقیق‌تر عملکرد زبانی قرآن فراهم کرده است. این نظریه، زبان را صرفاً ابزار انتقال معنا نمی‌داند، بلکه آن را به مثابه کنشی فعال و تأثیرگذار بر واقعیت اجتماعی، روانی و ارتباطی تعریف می‌کند و بر این اساس، پنج دسته‌کنش گفتاری شامل اظهاری (Assertives)، ترغیب (Directives)، تعهدی (Commissives)، عاطفی (Expressives) و اعلانی (Declarations) را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

اگرچه برخی پژوهشگران، به‌ویژه در سال‌های اخیر، تلاش کرده‌اند این نظریه را در تحلیل آیات قرآن به کار گیرند (زمانی، ۱۳۹۸؛ رحیمی، ۱۴۰۱)، اما این مطالعات عمدتاً محدود به بررسی بخش‌هایی از سوره‌های روایی یا برخی خطابات الهی بوده و کمتر به سوره‌های محوری با ساختار تربیتی و اجتماعی پرداخته‌اند. سوره الاسراء به‌عنوان یکی از سوره‌های مهم مکی، جایگاهی ویژه در هدایت، اصلاح فرد و جامعه و تبیین اصول اخلاقی و اعتقادی دارد؛ با این حال، کارکرد زبانی این سوره، به‌ویژه در بُعد کنش‌های گفتاری، کمتر به‌صورت روشمند و جامع مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۱. بیان مسأله

در سوره الاسراء، با استفاده از مجموعه‌ای پیچیده از کنش‌های زبانی، پیام هدایتی به‌گونه‌ای ساختاربندی شده که صرفاً انتقال معنا صورت نمی‌گیرد، بلکه مخاطب در فرایند ارتباط، هدایت، اقتناع، هشدار، تثبیت باورها، ایجاد احساس مسئولیت و حتی اعمال

تغییرات حقوقی و اجتماعی قرار می‌گیرد. برای مثال، آیات مربوط به وعده‌های الهی، هشدارهای قطعی، دعوت‌های اخلاقی، توصیف‌های هستی‌شناسانه یا اعلام پایان سرنوشت اقوام گذشته، هرکدام در قالب یکی از کنش‌های پنج‌گانه نظریه سرل قابل تحلیل‌اند و نشان می‌دهند که زبان قرآن، فراتر از توصیف، نوعی کنش تأثیرگذار و تحول‌آفرین است.

بررسی ساختار کنش‌های اظهاری در این سوره، لایه‌های پنهان شناختی و اعتقادی آیات را نمایان می‌کند و مشخص می‌سازد که گزاره‌های خبری قرآن، علاوه بر اطلاع‌رسانی، تعهد گوینده به واقعیت و تثبیت حقیقت را القا می‌کنند (طباطبایی، ۵۲/۱۳). کنش‌های ترغیبی، نشان‌دهنده ساختار دعوت، توصیه و هدایت عملی خداوند به سوی رفتار صحیح‌اند که فراتر از دستور مستقیم، مخاطب را به تأمل، انتخاب و اصلاح رفتار دعوت می‌کنند (طبرسی، مجمع‌البیان، ۷۵/۶). در همین چارچوب، کنش‌های تعهدی با اعلام وعده‌ها و هشدارهای الهی، نظامی از ضمانت‌های تربیتی و اعتقادی را نهادینه می‌کنند که نقش آن‌ها در تثبیت باور دینی، در بسیاری از تفاسیر کلاسیک مغفول مانده است. علاوه بر این، تحلیل کنش‌های عاطفی سوره الاسراء، کارکرد روانی و احساسی زبان وحی را آشکار می‌سازد که در قالب محبت، هشدار، سرزنش یا شفقت بیان شده و فهم لایه انسانی تر و ارتباطی تر از قرآن را ممکن می‌کند. نهایتاً، کنش‌های اعلانی، بعد تحول‌آفرین و اجرایی زبان قرآن را برجسته می‌کنند، چراکه بسیاری از آیات این سوره، با اعلام قطعی وقایع آینده یا سرنوشت اقوام، نقش ایجاد تغییر در واقعیت اجتماعی یا هستی را ایفا می‌کنند.

با وجود این ابعاد مهم، بررسی نظام‌مند و جامع کنش‌های پنج‌گانه گفتاری در سوره الاسراء، پیش از این، به صورت مستقل انجام نشده و اغلب پژوهش‌های موجود، یا به بخش‌هایی محدود شده‌اند یا جنبه صرفاً معناشناسانه داشته‌اند (محمودی و احمدی، ۱۴۰۰؛ ابراهیمی و حسینی، ۱۴۰۲). این خلأ، ضرورت پژوهش حاضر را دوچندان می‌کند، چراکه فهم لایه‌های کنشی و ساختار زبانی قرآن، نه تنها به تفسیر عمیق تر و دقیق تر آیات کمک می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که زبان قرآن، خود ابزار هدایت، تغییر ذهن و روان، تثبیت

باورها و اصلاح اجتماعی است؛ امری که در رویکردهای سنتی تفسیری، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

از این منظر، پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامع کنش‌های گفتاری سوره الاسراء بر اساس نظریه سرل، به دنبال کشف ساختار ارتباطی قرآن، بررسی لایه‌های تأثیرگذاری زبان وحی و شناخت ابعاد روانی، تربیتی، اعتقادی و اجتماعی پیام‌های الهی است و می‌تواند تحولی در درک روشمند، علمی و زبان‌شناسانه قرآن ایجاد کند.

۲-۱. پیشینه تحقیق

نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم تحلیل زبان‌شناختی، در دهه‌های اخیر به‌تدریج وارد فضای مطالعات دینی و قرآنی شده است. در حوزه مطالعات قرآنی، به‌ویژه بررسی سوره‌ها از منظر کنش‌های گفتاری، پژوهش‌هایی محدود اما روبه‌رشد انجام شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. زمانی، سمیه. (۱۳۹۸). تحلیل کنش‌های گفتاری سوره یوسف بر اساس نظریه سرل. پژوهش‌های زبان‌شناسی قرآن، ۱۰(۲)، ۵۵-۷۸.

در این مقاله، نویسنده با کاربست نظریه سرل، انواع کنش‌های گفتاری را در دیالوگ‌های داستان حضرت یوسف بررسی کرده و نشان داده است که کنش‌های ترغیبی و اظهارنقش محوری در ساختار روایی این سوره دارند.

۲. محمودی، زهرا و احمدی، علی. (۱۴۰۰). بررسی کنش‌های گفتاری در سوره مریم با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای اجتماعی. فصلنامه مطالعات قرآنی نوین، ۱۲(۱)، ۹۳-۱۱۵. این پژوهش بر کاربرد کنش‌های عاطفی و اعلانی در آیات سوره مریم تمرکز دارد و نقش آن‌ها را در القای پیام‌های معنوی و الهی برجسته می‌کند.

۳. رحیمی، محمد. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی کنش‌های گفتاری در سوره کهف و سوره طه براساس نظریه سرل. زبان و بلاغت در قرآن، ۷(۳)، ۱۲۰-۱۴۷.

در این مقاله تطبیقی، نویسنده ضمن شناسایی کنش‌های پنج‌گانه سرل در دو سوره، به تفاوت کارکردهای زبانی خداوند، پیامبران و دیگر شخصیت‌های قرآنی پرداخته است.

۴. ابراهیمی، مهدی و حسینی، فاطمه. (۱۴۰۲). کاربرست نظریه کنش‌های گفتاری در خطابات الهی قرآن کریم. مطالعات زبان و الهیات، ۹(۴)، ۴۰-۶۸.

این مقاله به تحلیل کلی خطابات مستقیم الهی در قرآن پرداخته و سهم هر یک از کنش‌های گفتاری را استخراج کرده است، اگرچه تمرکز بر سوره خاصی ندارد. اما مطالعه حاضر با هدف تحلیل کاربرد کنش‌های پنج‌گانه گفتاری سرل در سوره الاسراء، خلأهای پژوهش‌های پیشین را پوشش می‌دهد؛ چراکه برخلاف پژوهش‌های محدود انجام‌شده، تاکنون تحلیل جامع و نظام‌مند کنش‌های گفتاری در سوره الاسراء صورت نگرفته و بیشتر تمرکز بر سوره‌های داستانی یا خطابات عام بوده است. همچنین، پژوهش‌های قبلی عمدتاً بر یک یا دو نوع کنش متمرکز بودند، درحالی‌که این تحقیق، با رویکردی جامع، به تفکیک همه انواع کنش‌های اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلانی پرداخته است.

۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

قرآن، به عنوان متنی وحیانی، نه تنها حاوی آموزه‌های معرفتی و اخلاقی است، بلکه ساختار زبانی آن به گونه‌ای طراحی شده که در بطن خود، کنش، تأثیرگذاری، اقناع، تغییر ذهن، تحریک احساسات، ایجاد تعهد و اعمال تغییرات اجتماعی را دنبال می‌کند. اما سنت تفسیر اسلامی، با وجود غنای بی‌بدیل در عرصه معناشناسی، بلاغت و اصول فهم متن، عمدتاً بر تبیین محتوای آیات، استخراج احکام یا بیان مصادیق تاریخی و اخلاقی تمرکز داشته و زبان قرآن را بیشتر در سطح انتقال معنا یا دلالت‌های ظاهری بررسی کرده است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴؛ زحیلی، التفسیر المنیر، ۱۴۲۰ق). درحالی‌که بخش مهمی از کارکرد قرآن، در سطح زبانی - کنشی رخ می‌دهد؛ یعنی زبان قرآن نه صرفاً ابزار انتقال معنا، بلکه ابزار تحقق تغییرات واقعی در مخاطب و جهان است.

نظریه کنش‌های گفتاری آستین (Austin, 1962) و سرل (Searle, 1969) دقیقاً بر همین نقطه تمرکز دارد. این نظریه نشان می‌دهد که زبان، صرفاً وسیله بازنمایی واقعیت نیست، بلکه کنشی است که با بیان آن، می‌توان جهان را تغییر داد، باور ساخت، تعهد ایجاد کرد، احساسات برانگیخت یا تصمیمات حقوقی و اجتماعی را تثبیت نمود. این دیدگاه، امکان تحلیل قرآن را در سطحی فراتر از معناشناسی رایج، یعنی در سطح عملکرد زبانی و تأثیرگذاری واقعی بر ذهن و رفتار مخاطب، فراهم می‌کند.

در فضای سنت تفسیری، گرچه توجه به بلاغت، اعجاز زبانی و گاه ساختار دیالوگی قرآن مطرح بوده، اما تفکیک علمی و روشمند کنش‌های زبانی و تأثیرات عملی آن‌ها، طبق چارچوب مدون نظریه‌های زبان‌شناسی مدرن، جای خالی دارد. به عبارت دیگر، تفسیر سنتی، عمدتاً به سؤال «قرآن چه می‌گوید؟» پاسخ می‌دهد، اما نظریه آستین و سرل، ما را قادر می‌سازد به سؤال بنیادین‌تر «قرآن با زبان خود چه می‌کند؟» بپردازیم؛ پرسشی که پاسخ آن، فهم عمیق‌تری از کارکرد هدایت‌گر، روان‌شناختی و اجتماعی قرآن به دست می‌دهد.

از این منظر، پژوهش حاضر، با تلفیق ظرفیت‌های سنت تفسیری و دستاوردهای زبان‌شناسی نوین، شکاف علمی موجود را پر می‌کند و نشان می‌دهد که تحلیل کنش‌های گفتاری در قرآن، نه تنها تزئینی یا تحمیل نظریات غربی نیست، بلکه ضرورتی علمی برای فهم لایه‌های پنهان تأثیرگذاری وحی، استراتژی ارتباط الهی و مهندسی اخلاقی و اجتماعی متن مقدس است. بدون این رویکرد، بخشی از کارکرد واقعی زبان قرآن مغفول می‌ماند و تلاش‌های پژوهشی در سطح سنتی، هرچند ارزشمند، اما برای فهم جامع زبان قرآن کافی نخواهند بود.

۱-۶. دلیل انتخاب سوره الاسراء

انتخاب سوره الاسراء برای این پژوهش، برخاسته از ویژگی‌های منحصر به فرد محتوایی، ساختاری و زبانی این سوره در میان سوره‌های قرآن است. سوره اسراء که با نام دیگر «بنی اسرائیل» نیز شناخته می‌شود، یکی از سوره‌های مکملی است که در عین اختصار نسبی،

موضوعات متنوعی را در خود جای داده و از حیث ساختار زبانی، نمونه‌ای ممتاز برای تحلیل کنش‌های گفتاری به‌ویژه در سطح پنج‌گانه نظریه سرل محسوب می‌شود.

نخست، این سوره دارای بافت زبانی پیچیده و چندلایه است؛ در آن هم آیات ناظر بر آموزه‌های اخلاقی و تربیتی مشاهده می‌شود، هم توصیه‌ها و دستورات فردی و اجتماعی، هم هشدارها و تهدیدهای الهی، و هم گزارش‌های تاریخی یا وعده‌های قطعی خداوند. این تنوع محتوایی، بستری غنی برای تحلیل علمی کنش‌های اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلانی در چارچوب نظریه کنش گفتاری فراهم می‌کند.

دوم، سوره الاسراء از جمله سوره‌هایی است که به‌طور ویژه بر موضوع «هدایت» در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی تأکید می‌کند و در کنار طرح موضوعاتی چون معاد، جایگاه قرآن، عدالت اجتماعی و حقوق والدین، با رویکردی نظام‌مند به تربیت و اخلاق می‌پردازد. بررسی کنش‌های زبانی در این سوره، امکان کشف سازوکارهای زبانی هدایت الهی و تربیت اخلاقی را مهیا می‌سازد که این جنبه در مطالعات قبلی کمتر مورد توجه بوده است (طباطبایی، ۱۳/۵۵؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۶/۷۲).

سوم، سوره الاسراء سرشار از نمونه‌های صریح و ضمنی کنش‌های گفتاری است؛ آیات مربوط به دعوت به نماز، رعایت حقوق خانواده، توصیه به عدالت، نهی از اسراف، هشدار درباره عاقبت اقوام پیشین، وعده‌های قطعی الهی، و بیان احساسات عاطفی نظیر سرزنش یا مهربانی، همگی مصادیق آشکار برای تحلیل انواع کنش‌های گفتاری محسوب می‌شوند. این ویژگی، سوره اسراء را به یکی از غنی‌ترین سوره‌ها از منظر تحلیل ساختار کنشی زبان قرآن تبدیل می‌کند.

چهارم، این سوره کمتر از منظر زبان‌شناسی و نظریه کنش گفتاری به‌صورت مستقل تحلیل شده است؛ در حالی که بیشتر مطالعات پیشین تمرکز بر سوره‌های روایی یا آیاتی خاص داشته‌اند (محمودی و احمدی، ۱۴۰۰؛ ابراهیمی و حسینی، ۱۴۰۲). این پژوهش با تمرکز بر سوره الاسراء، به دنبال پر کردن این خلأ علمی است و تلاش دارد نقش زبانی و کنشی قرآن را در فرآیند هدایت و تربیت اخلاقی به‌صورت روشمند واکاوی کند.

در نتیجه، انتخاب سوره الاسراء، تصمیمی صرفاً موضوعی نیست، بلکه انتخابی روشمند، مبتنی بر غنای زبانی، تنوع محتوایی، ظرفیت تربیتی و خلأ موجود در پژوهش‌های زبان‌شناسی قرآنی است که می‌تواند نقش زبان وحی را در هدایت انسان و جامعه، به صورت دقیق و علمی روشن سازد.

۲. نظریه کنش گفتار

از جمله دیدگاه‌های تحلیل متن که طبق آن می‌توان مفاهیم بلاغی و ادبی را در واحدهای کوچک‌تر (جمله) بررسی نمود، نظریه کنش گفتاری است. این نظریه از نظریات در ارتباط با فلسفه زبان است که به شکل ضمنی، پیش‌فرض نقد احساسی و تأثیری را در مخاطب زیر سؤال برده و نظرگاهی تازه را به او ارائه داده است که طبق آن افزون بر آنکه عمل نقد را صرفاً داوری و احساسی بی‌پایه تلقی نمی‌کند، بلکه متون را با نوعی دیدگاه انتقادی می‌خواند. (عبداللهیان و باقری، ۲۴۱؛ رضانی، ۴).

مهم‌ترین رویکرد در نظریه اثبات گرایی منطقی، تعیین صدق و کذب جمله‌ها است. آستین با این رویکرد مخالف بوده و دلیل آن این است که نمی‌توان ارزش صدق و کذب جملات را تعیین نمود (سعید، ۲۴۲).

به عنوان مثال، اگر کسی بگوید «سلام» نمی‌توان صدق و کذب این بیان را مشخص کرد؛ همچنین این بیان برای اطلاع دادن استفاده نشده است.

در برابر معناشناسان و اثبات‌گرایان منطقی، طرفداران فلسفه زبان عادی و طبیعی ویژگی‌هایی را در زمینه زبان برشمرده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از موارد زیر یاد کرد: الف) از جمله اصلی‌ترین وظایف فلسفه، ایجاد تمایز بین موضوعات و پدیده‌ها است، سخنگویان یک زبان به راحتی بین درخواست کردن، دستور دادن و التماس نمودن، تمایز قائل می‌گردند.

ب) نکته حائز اهمیتی که در زمینه زبان وجود دارد، این است که زبان نه تنها به بیان

پدیده‌ها و رویدادها اکتفا نمی‌کند، بلکه کنش‌هایی وجود دارند که فقط از راه زبان و با سخن گفتن محقق می‌شوند (رمضانی، ۴۳).

اما نظریه کنش گفتار در حقیقت از نظریاتی است که در تکمیل و تکامل نقد و تحلیل کلام نقشی به سزا دارد. آستین فیلسوف دانشگاه آکسفورد نخستین فردی بود که این نظریه را در دهه ۱۹۳۰ میلادی مطرح کرد و به تنش‌های فعل و در راستای آن نقش جملات در فرایند کلام اشاره نمود (لانکاگر، ۱۱).

۲-۱. اقسام کنش‌های گفتاری در نظریه آستین و سرل

یکی از مهم‌ترین رویکردهای زبان‌شناسی فلسفی معاصر، نظریه کنش‌های گفتاری است که توسط جان آستین و پس از او جان سرل توسعه یافت. این نظریه بر آن است که زبان صرفاً وسیله انتقال معنا یا بیان واقعیت نیست، بلکه به واسطه سخن، انسان می‌تواند «عمل» انجام دهد و بر محیط اجتماعی و روانی اثر بگذارد (آستین، ۵۵).

جان آستین در کتاب مشهور خود با عنوان چگونه با واژه‌ها کار انجام می‌دهیم (How to Do Things with Words) سه نوع کنش را در هر سخن تشخیص می‌دهد. نخست، کنش زبانی یا «لوکوشنری» که همان بیان صرف واژه‌ها و جملات همراه با ساختار دستوری و معناشناسی است. دوم، کنش گفتاری یا «ایلوکوشنری» که نیت واقعی گوینده از بیان جمله است، مانند وعده دادن، هشدار دادن یا تهدید. سوم، کنش پس گفتاری یا «پرلوکوشنری» که به اثر واقعی سخن بر مخاطب بازمی‌گردد، مانند متقاعد شدن، ترسیدن یا دلگرم شدن (آستین، ۷۴).

بر این اساس، آستین نشان می‌دهد که زبان، نه فقط ابزار انتقال معنا، بلکه بستر انجام اعمال اجتماعی است. برای مثال، وقتی فردی می‌گوید: «قول می‌دهم فردا بیایم»، این سخن، علاوه بر بیان واژه‌ها (کنش زبانی)، نوعی تعهد ایجاد می‌کند (کنش گفتاری) و ممکن است موجب اطمینان مخاطب شود (کنش پس گفتاری).

جان سرل، که از شاگردان برجسته آستین است، این نظریه را بسط داد و با رویکرد نظام‌مندتری، پنج نوع کنش گفتاری را معرفی کرد که به‌ویژه در تحلیل متون دینی، حقوقی و اجتماعی کاربرد فراوان دارد (سرل، ۵۹).

۱. کنش‌های اظهاری (Assertives): این نوع کنش‌ها به بیان واقعیت‌ها، باورها یا اطلاعات می‌پردازند و ادعای گوینده را نسبت به درستی یا نادرستی گزاره‌ها نشان می‌دهند. برای نمونه، جملاتی مانند «آسمان آبی است» یا «قرآن کتاب هدایت است» از این دسته محسوب می‌شوند.

۲. کنش‌های ترغیبی (Directives): شامل هر نوع سخنی است که هدف آن واداشتن مخاطب به انجام عملی خاص است، مانند دستور، خواهش، نصیحت یا توصیه. برای مثال: «نماز را به‌پا دارید».

۳. کنش‌های تعهدی (Commissives): در این نوع کنش، گوینده خود را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند، مانند قول دادن، سوگند خوردن یا تهدید. به‌طور نمونه: «قول می‌دهم در راه حق ثابت‌قدم باشم».

۴. کنش‌های عاطفی (Expressives): بیان احساسات، عواطف یا نگرش‌های درونی گوینده، مانند خوشحالی، ناراحتی یا سپاسگزاری. مثال: «از کمک شما سپاسگزارم».

۵. کنش‌های اعلانی (Declaratives): سخنانی که خود موجب ایجاد تغییر در وضعیت حقوقی یا اجتماعی می‌شوند. برای مثال، اعلام ازدواج یا اخراج فردی، یا در سطح دینی، اعلام قبولی توبه یا وعده بهشت.

نکته مهم در نظریه سرل این است که کنش‌های گفتاری همواره در یک زمینه اجتماعی و فرهنگی معنا می‌یابند و صرفاً با بررسی محتوای واژه‌ها نمی‌توان کارکرد واقعی سخن را فهمید (سرل، ۷۶). برای مثال، جمله «خداوند توبه بندگان را می‌پذیرد» یک کنش اعلانی در فضای دینی است که وضعیت معنوی فرد را تغییر می‌دهد.

در متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، می‌توان نمونه‌های فراوانی از این پنج کنش را

مشاهده کرد. خداوند با کنش‌های اظهاری، به معرفی حقایق هستی و انسان می‌پردازد، با کنش‌های ترغیبی، انسان را به عمل صالح دعوت می‌کند، با کنش‌های تعهدی، وعده‌ها و هشدارهایی بیان می‌کند، با کنش‌های عاطفی، احساسات محبت یا خشم الهی را منتقل می‌کند و با کنش‌های اعلانی، وضعیت‌های حقوقی یا کیهانی را تغییر می‌دهد (طباطبایی، ۵۵/۱۳؛ مکارم شیرازی، ۸۰/۱۲)

بنابراین، نظریه آستین و سرل، ابزار مؤثری برای تحلیل لایه‌های پنهان زبان قرآن و کشف تأثیرات زبانی آن است. این نظریه، نشان می‌دهد که آیات قرآن، فراتر از گزارش یا توصیه، واجد ابعاد عملی و کنشی هستند که بر رفتار فردی و ساختار اجتماعی اثرگذارند.

۳. کاربست عملی نظریه در سوره الاسراء

کنش‌های پنجگانه مورد تعریف و نظر آستین و سرل در سوره مبارکه الاسراء در قالب‌های مختلفی تجلی دارد.

۳-۱. کنش اظهاری در سوره الاسراء

در چارچوب نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل، یکی از بنیادی‌ترین انواع کنش‌های زبانی، کنش اظهاری یا اطلاعی (Assertives) است. این نوع کنش زمانی رخ می‌دهد که گوینده ادعایی درباره جهان، هستی یا وضعیت خاصی مطرح می‌کند که یا درست است یا نادرست (Searle, p. 66). هدف اصلی کنش اظهاری، بیان حقایق، گزارش وضعیت‌ها، اعلام باورها یا معرفی واقعیت‌های خارجی است. زبان قرآن، به‌ویژه در سوره اسراء، مملو از کنش‌های اظهاری است که با هدف تبیین حقایق هستی، ایجاد باور دینی و جهت‌دهی ذهن مخاطب به‌کار گرفته شده‌اند.

سوره الاسراء، یکی از سوره‌های مکی قرآن است که با محتوای اعتقادی، اخلاقی و تربیتی، نقش مهمی در تثبیت اصول دینی و اصلاح رفتار فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. در این سوره، آیات متعددی مشاهده می‌شود که در قالب کنش اظهاری، مخاطب را نسبت به

حقایق هستی، جایگاه انسان، نظام اخلاقی و سرنوشت اقوام آگاه می سازند (طباطبایی، المیزان، ۵۷/۱۳).

از جمله نمونه های بارز کنش اظهاری در این سوره، آیه ۹ است:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ» (همانا این قرآن، به راهی هدایت

می کند که استوارترین راه است و به مؤمنان بشارت می دهد).

در این آیه، خداوند یک حقیقت قطعی درباره قرآن بیان می کند؛ اینکه این کتاب آسمانی هدایتگر به بهترین مسیر است. این ادعا، صرفاً اطلاع رسانی نیست، بلکه کنش اظهاری زبانی است که در قالب آن، مخاطب نسبت به جایگاه قرآن و کارکرد آن در زندگی، آگاه می شود (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۹۵/۲۰).

کنش های اظهاری در سوره الاسراء، علاوه بر معرفی حقایق دینی، نقش اساسی در تثبیت باورها و اصلاح ذهنیت مخاطب دارند. برای نمونه، در آیه ۱۱ سوره الاسراء آمده است: «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ» (و انسان، همان گونه که برای خود خیر می طلبد، برای خود بدی می طلبد).

این جمله، گزارشی واقع گرایانه از طبیعت رفتاری انسان است که ضعف شتاب زدگی و ناآگاهی او را نشان می دهد. این کنش اظهاری، درواقع مخاطب را نسبت به ساختار ذهنی و رفتاری بشر آگاه می سازد و مسیر اصلاح را به او گوشزد می کند (طبرسی، مجمع البیان، ۷۸/۶). همچنین، در آیه ۷ سوره الاسراء می خوانیم: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اگر نیکی کنید، به سود خودتان است و اگر بدی کنید، به زیان خودتان است).

در این آیه، خداوند با یک کنش اظهاری صریح، نظام پاداش و جزای الهی را معرفی می کند و حقیقتی قطعی درباره تأثیر اعمال انسان بر سرنوشت او را بیان می دارد. این کنش، ذهن مخاطب را نسبت به ارتباط مستقیم بین عمل و پیامد روشن می سازد و نقش تربیتی آشکاری دارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۸۲/۱۲).

یکی دیگر از کنش های اظهاری مهم، آیه ۱۷ سوره الاسراء است: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ

الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ» (و چه بسیار امت‌هایی را پس از نوح هلاک کردیم). این جمله، گزارشی تاریخی و اظهاری از سنت الهی در نابودی اقوام منحرف است که علاوه بر اطلاع‌رسانی، هشدار ضمنی و تأثیر روان‌شناختی بر مخاطب دارد. زبان قرآن، با چنین کنش‌هایی، ذهن مخاطب را نسبت به سنت‌های تغییرناپذیر الهی آماده می‌کند و او را در برابر انتخاب‌های رفتاری‌اش هوشیار می‌سازد (زمخشری، الکشاف، ۳۲۴/۲).

از منظر زبان‌شناسی، کنش‌های اظهاری، زیرساخت باورسازی و معرفت‌بخشی متن محسوب می‌شوند. خداوند در سوره الاسراء با بهره‌گیری از این کنش‌ها، پایه‌های فکری، اخلاقی و اجتماعی مخاطب را تثبیت می‌کند و زمینه را برای پذیرش کنش‌های دیگر نظیر ترغیبی یا تعهدی فراهم می‌سازد (Searle, p. 68).

در سنت تفسیری نیز، مفسرانی همچون طباطبایی و طبرسی به لایه‌های معرفتی آیات اظهاری پرداخته‌اند، اما تحلیل روشمند آن‌ها در قالب نظریه کنش گفتاری می‌تواند درک علمی‌تری از کارکرد زبانی قرآن ارائه دهد (طباطبایی، المیزان؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۴۰۳ق).

در نتیجه، کنش‌های اظهاری در سوره اسراء، ابزار قدرتمندی برای انتقال حقایق دینی، ایجاد باور صحیح، اصلاح ذهنیت، تبیین روابط هستی‌شناختی و آماده‌سازی مخاطب برای پذیرش پیام‌های اخلاقی و اجتماعی قرآن است. این کنش‌ها نشان می‌دهند که زبان وحی، فراتر از ابزار انتقال معنا، یک سازوکار معرفتی و باورآفرین است که تحلیل دقیق آن، افق‌های تازه‌ای در فهم تأثیرگذاری قرآن می‌گشاید.

۳-۲. کنش ترغیبی در سوره الاسراء

یکی از مهم‌ترین انواع کنش‌های گفتاری که در ساختار زبانی قرآن نقش کلیدی در هدایت انسان ایفا می‌کند، کنش‌های ترغیبی (Directives) است. بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری جان سیرل، کنش ترغیبی عبارت است از هرگونه عمل زبانی که هدف آن، واداشتن مخاطب به انجام عملی، تغییر نگرش یا اصلاح رفتاری باشد (Searle, p. 67). این کنش

شامل دستور، توصیه، درخواست، نهی، هشدار یا دعوت است و به طور مستقیم در شکل دهی به رفتار و جهت دهی به ذهن مخاطب تأثیرگذار است. سوره اسراء نمونه‌ای برجسته از حضور پررنگ کنش‌های ترغیبی در ساختار قرآن است که زبان وحی را از سطح انتقال معنا فراتر برده و آن را به ابزاری برای اصلاح و هدایت فرد و جامعه تبدیل می‌کند.

سوره الاسراء، که به نام سوره «بنی اسرائیل» نیز شناخته می‌شود، در زمره سوره‌های مکی قرآن قرار دارد و محتوای آن، به طور ویژه بر محور هدایت اخلاقی، تربیت فردی و اجتماعی و بیان عواقب انحراف یا تبعیت از مسیر الهی متمرکز است (طباطبایی، المیزان، ۵۳/۱۳). در این سوره، آیات متعددی وجود دارد که صراحتاً یا به صورت ضمنی در قالب کنش‌های ترغیبی مطرح شده‌اند و هدف آن‌ها، تأثیرگذاری بر رفتار و نگرش مخاطب است.

ازجمله مهم‌ترین نمونه‌های کنش ترغیبی در این سوره، آیات مربوط به دستورات اخلاقی و اجتماعی است؛ برای مثال، در آیه ۲۳ سوره الاسراء، خداوند می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (و پروردگار تو فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید).

در این آیه، واژه «قضى» به معنای حکم قطعی و الزام‌آور است که نشان می‌دهد خداوند، مخاطبان را به پرستش خالصانه و نیکی به والدین فرامی‌خواند. این دعوت، علاوه بر جنبه اعتقادی، بار اجتماعی و اخلاقی دارد و به روشنی در چارچوب کنش‌های ترغیبی جای می‌گیرد؛ زیرا هدف آن، سوق دادن انسان به سوی رفتار مشخص یعنی نیکی به والدین و پرهیز از شرک است (طبرسی، مجمع‌البیان، ۷۴/۶).

نمونه دیگر، آیه ۲۶ سوره الاسراء است که می‌فرماید: «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ» (و حق خویشاوند و نیازمند و درراه‌مانده را ادا کن).

در این آیه، خداوند به صورت مستقیم و دستوری، انسان را به رعایت حقوق اجتماعی و کمک به اقشار آسیب‌پذیر دعوت می‌کند. این امر، در چارچوب کنش ترغیبی، نشان‌دهنده نقش زبانی قرآن در اصلاح رفتار اجتماعی و تقویت عدالت است (فخررازی، التفسیر الکبیر، ۱۰۴/۲۰).

همچنین، در آیه ۳۲ سوره الاسراء آمده است: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْیَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (و نزدیک زنا نشوید، که همواره کاری زشت و راهی بد است).

در اینجا نیز، نهی صریح الهی، نمونه بارز کنش ترغیبی در قالب هشدار است. خداوند با بیان مفاسد و نتایج منفی زنا، مخاطب را از ارتکاب این عمل باز می‌دارد و هم‌زمان با به‌کارگیری تعبیر «لا تقربوا» شدت هشدار را افزایش می‌دهد (مکارم شیرازی، ۸۷/۱۲). از دیگر نمونه‌های کنش ترغیبی در سوره اسراء، دعوت‌های الهی به برپایی نماز، رعایت عدالت، دوری از اسراف و تقویت روحیه کمک به مستضعفان است. آیات متعددی در این سوره، با استفاده از ساختارهای امری، نهی یا توصیه، به گونه‌ای بیان شده‌اند که هدف آن‌ها، تغییر رفتار، اصلاح نگرش و هدایت عملی انسان است.

بررسی این کنش‌ها، نشان می‌دهد که زبان قرآن در سوره اسراء، فراتر از انتقال مفاهیم نظری، به گونه‌ای طراحی شده که مخاطب را درگیر تصمیم‌گیری، تغییر رفتار و اصلاح اجتماعی می‌کند. این رویکرد، تفاوت آشکاری با تحلیل‌های معناشناسانه صرف دارد و بر اهمیت بررسی کارکرد زبانی قرآن تأکید می‌کند.

از سوی دیگر، تحلیل کنش‌های ترغیبی این سوره، نقش قرآن در مهندسی ذهن و رفتار انسان را برجسته می‌سازد. خداوند از طریق این کنش‌ها، نه تنها آموزه‌های اخلاقی و دینی را منتقل می‌کند، بلکه با زبان، مخاطب را به پذیرش، تأمل، انتخاب و عمل دعوت می‌کند و این همان نقطه‌ای است که نظریه سرل، ظرفیت تحلیل علمی آن را فراهم می‌سازد (Searle, p. 72).

در سوره الاسراء، کنش‌های ترغیبی در چارچوب نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل، از جایگاهی محوری در هدایت و تربیت مخاطب برخوردارند. مطابق با تقسیم‌بندی سرل، کنش ترغیبی (Directive) شامل هر نوع گفتاری است که گوینده از طریق آن، قصد دارد مخاطب را به انجام یا ترک عملی برانگیزد؛ از این رو، هم اوامر و هم نواهی را می‌توان در زمره کنش‌های ترغیبی دانست. بررسی بافت و سیاق آیات سوره اسراء نشان می‌دهد که قرآن در این سوره، برای تحقق نظام اخلاقی و اجتماعی مطلوب، از هر دو گونه ی ایجابی (اوامر) و سلبی (نواهی) بهره گرفته است.

با این حال، غلبه ی اوامر بر نواهی در این سوره، برخاسته از ساختار هدایتی و تربیتی آن است؛ زیرا غرض اصلی آیات، نه صرف بازداشت از گناه، بلکه ایجاد سبک زندگی مؤمنانه بر مبنای توحید، عدالت و کرامت انسانی است. اوامر در این سیاق، جنبه ی ایجابی و سازنده دارند و در واقع، الگوی رفتاری مطلوب را تبیین می‌کنند، در حالی‌که نواهی بیشتر کارکرد بازدارندگی و مراقبت از انحراف را بر عهده دارند.

برای نمونه، در آیه ی «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (الاسراء، ۲۳)، امر به توحید، اصلی‌ترین کنش ترغیبی ایجابی است که مبنای همه ی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌آید. همچنین در آیه ی «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (الاسراء، ۲۶)، دعوت به رعایت حقوق خویشاوندان، نمونه‌ای از کنش ترغیبی با جهت‌گیری اجتماعی است که عدالت و تعاون را نهادینه می‌کند. امر دیگر، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ الشَّمْسِ» (الاسراء، ۷۸)، ناظر به تنظیم رابطه‌ی انسان با خداوند و بازدارنده از غفلت عبادی است.

در مقابل، نواهی موجود در سوره، کنش‌های ترغیبی از نوع بازدارنده (Prohibitive Directive) را تشکیل می‌دهند که هدف آن‌ها جلوگیری از رفتارهای مخرب فردی و اجتماعی است. آیه ی «لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (آیات ۲۲ و ۳۹)، در پی تثبیت محور توحید و نفی هر گونه شرک رفتاری است. همچنین، آیات «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ» (آیه ۳۱)، «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ» (آیه ۳۲) و «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ» (آیه ۳۳)، نهی‌هایی هستند که به صورت مستقیم بر حفظ حیات، عفت عمومی و امنیت اجتماعی تأکید می‌ورزند. همچنین، آیه ی «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (آیه ۳۶)، نهی از داوری و سخن گفتن بدون علم است که در حوزه‌ی اخلاق گفتاری و معرفتی جای می‌گیرد.

از منظر نظریه‌ی سرل، این دسته از نواهی، گرچه ظاهراً به صورت سلبی بیان شده‌اند، اما از حیث نیت گفتاری (illocutionary intent)، همانند اوامر، نوعی کنش کنترلی و جهت‌دهنده به رفتار مخاطب محسوب می‌شوند؛ یعنی گوینده (در این جا خداوند) از طریق نهی، قصد دارد مخاطب را به «ترک کنشی» برانگیزد، که از لحاظ کارکردی معادل دعوت به «انجام کنشی مثبت» است.

در نتیجه، ساختار ترغیبی سوره اسراء را می‌توان مجموعه‌ای از اوامر و نواهی دانست که در پی تحقق دو هدف مکمل‌اند: ایجاد رفتار مطلوب از یک سو، و جلوگیری از رفتار نامطلوب از سوی دیگر. از منظر بلاغی و تربیتی نیز غلبه‌ی اوامر بر نواهی در این سوره، نه نشانه‌ی کم‌توجهی به بازدارندگی، بلکه دلالت بر جهت‌گیری ایجابی و اصلاح‌گر قرآن دارد؛ زیرا قرآن در این سوره، بیش از آن‌که مخاطب را صرفاً از انحرافات نهی کند، او را به ساختن خویشتن و جامعه‌ای توحیدی فرامی‌خواند. بر این اساس، تمرکز تحلیل بر اوامر، در واقع تبیین الگوی دعوت ایجابی قرآن است که نواهی را نیز در بطن خود مستتر دارد و با آن‌ها ساختاری واحد و منسجم را تشکیل می‌دهد.

در نتیجه، سوره الاسراء نمونه‌ای ممتاز از حضور فعال کنش‌های ترغیبی در ساختار زبانی قرآن است که فهم این کنش‌ها، به کشف لایه‌های عمیق‌تر تربیتی، اجتماعی و اخلاقی متن مقدس کمک می‌کند و نقشی بی‌بدیل در اصلاح فرد و جامعه دارد.

۳-۳. کنش تعهدی

یکی از ابعاد مهم زبان در قرآن که با بهره‌گیری از نظریه کنش‌های گفتاری سرل می‌توان آن را به صورت دقیق و نظام‌مند تحلیل کرد، کنش‌های تعهدی (Commissives) است. بر اساس تعریف سرل، کنش تعهدی آن دسته از اعمال زبانی است که گوینده با بیان آن، خود را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند یا تضمین می‌دهد که رویدادی رخ خواهد داد (Searle, p. 66). (وعده، وعید، سوگند، تعهد، ضمانت و هرگونه اعلام پایبندی به یک نتیجه، در زمره کنش‌های تعهدی قرار می‌گیرد. زبان قرآن، به ویژه در سوره اسراء، به گونه‌ای طراحی شده است که خداوند از این کنش‌ها برای تثبیت باورهای دینی، ایجاد اعتماد، تقویت امید یا ترس، و هدایت ذهنی و رفتاری مخاطب بهره می‌گیرد.

سوره اسراء که محتوای آن به موضوعاتی چون معاد، توحید، تربیت اخلاقی و سرنوشت اقوام می‌پردازد، سرشار از نمونه‌های کنش تعهدی است که کارکرد اصلی آن‌ها،

ایجاد اطمینان در مخاطب نسبت به تحقق وعده های الهی و تثبیت باور به نظام اخلاقی و اجتماعی قرآن است (طباطبایی، ۶۰/۱۳). این سوره، با بهره گیری از کنش های تعهدی، مخاطب را متقاعد می کند که هدایت الهی، پاداش نیکوکاران و عاقبت مجرمان، همگی قطعی و تغییرناپذیر است.

نمونه بارز این کنش ها، در آیه ۷ سوره الاسراء دیده می شود: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اگر نیکی کنید، به سود خودتان است، و اگر بدی کنید، به زیان خودتان است).

در این آیه، خداوند با ساختار شرطی و اعلام نتیجه قطعی، نظام پاداش و جزا را به عنوان یک تعهد الهی معرفی می کند. این بیان، صرفاً اطلاع رسانی نیست، بلکه تعهدی زبانی است که خداوند اعلام می کند هر عمل نیک یا بد، بی تأثیر نخواهد ماند و این ضمانت، ساختار فکری مخاطب را تقویت می کند (فخر رازی ۱۰۸/۲۰).

همچنین در آیه ۸ سوره الاسراء آمده است: «عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم» (امید است که پروردگارتان بر شما رحم کند).

در اینجا، گرچه واژه «عَسَى» ظاهر احتمال دارد، اما در بیان قرآن، به ویژه در کلام خداوند، بار تعهدی قوی دارد که نشان دهنده احتمال بالا و وعده ضمنی رحمت الهی در صورت تغییر رفتار است (طبرسی، مجمع البیان، ۷۹/۶).

یکی دیگر از نمونه های کنش تعهدی، آیه ۱۰۴ سوره الاسراء است که می فرماید: «وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا» (و پس از او به بنی اسرائیل گفتیم: در زمین سکونت کنید، و زمانی که وعده آخرت فرارسد، همه شما را گرد می آوریم).

در این آیه، دو کنش تعهدی وجود دارد: نخست، وعده سکونت بنی اسرائیل، و دوم، وعده قیامت و گردآوری همگان. این دو وعده، کارکرد تعهدی زبان قرآن را آشکار می کند و نشان می دهد که خداوند، آینده بشر را در بستر تعهدات زبانی تثبیت می کند و از این

طریق، نظام اجتماعی و اخلاقی قرآن را تقویت می‌سازد (مکارم شیرازی، ۹۱/۱۲).
تحلیل این کنش‌ها نشان می‌دهد که قرآن، به‌ویژه در سوره اسراء، صرفاً گزارشی از وقایع نیست، بلکه زبان قرآن، با تعهدات صریح یا ضمنی، نقش مهمی در مهندسی باورهای دینی، ایجاد امید یا ترس، تقویت مسئولیت‌پذیری و تثبیت ساختارهای اخلاقی دارد. این امر، از نگاه نظریه سِرل، زبان قرآن را به یک ابزار عملی برای تأثیرگذاری اجتماعی و ذهنی تبدیل می‌کند (Searle, p. 69).

نکته مهم آن است که بخش قابل توجهی از کنش‌های تعهدی در این سوره، در قالب وعده‌های مشروط یا هشدارهای قطعی بیان شده است. برای مثال، آیه ۱۶ سوره الاسراء که می‌فرماید: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (و هنگامی که اراده کردیم قریه‌ای را هلاک کنیم، خوشگذرانان آن را به گناه وامی‌داریم، پس سخن [عذاب] بر آن محقق می‌شود، و آن را به شدت نابود می‌کنیم).
در این آیه، عبارت «فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ» نشان‌دهنده تحقق تعهد الهی در قبال فساد است؛ یعنی وعده الهی درخصوص عذاب، صرفاً لفظی یا تهدیدی نیست، بلکه یک تعهد واقعی است که با وقوع شرایط مشخص، حتماً محقق می‌شود (زمخشری، ۳۲۰/۲).

بنابراین، می‌توان گفت کنش‌های تعهدی در سوره اسراء، ساختاری زبانی ایجاد می‌کند که بر اساس آن، خداوند نظامی از ضمانت‌های تربیتی، اخلاقی و اجتماعی را تثبیت می‌کند و این زبان تعهد، نقش مهمی در هدایت انسان، ایجاد اطمینان، رفع تردید و تقویت مسئولیت‌پذیری دارد. تحلیل این کنش‌ها بر مبنای نظریه سِرل، لایه‌های پنهان عملکرد زبانی قرآن را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که وحی، نه تنها محتوایی الهی، بلکه زبانی دقیق و هدفمند دارد که در خدمت اصلاح فرد و جامعه قرار گرفته است.

۳-۴. کنش عاطفی

در ساختار زبان قرآن، علاوه بر انتقال مفاهیم معرفتی و اخلاقی، لایه‌ای مهم از

تأثیرگذاری بر مخاطب، از طریق کنش‌های عاطفی (Expressives) صورت می‌گیرد. مطابق با نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل، کنش عاطفی شامل هرگونه عمل زبانی است که احساسات، نگرش درونی یا حالات روانی گوینده را نسبت به یک وضعیت یا مخاطب بیان می‌کند (Searle, p. 66). این کنش، اگرچه الزام عملی یا دستوری ندارد، اما نقش مهمی در شکل دهی به فضای ذهنی مخاطب، ایجاد ارتباط عاطفی، تقویت یا تضعیف انگیزش‌ها و تثبیت مفاهیم اخلاقی دارد.

سوره اسراء، به عنوان یکی از سوره‌های مکی با محتوای اخلاقی، تربیتی و اجتماعی، سرشار از کنش‌های عاطفی است که زبان قرآن را از سطح خشک و صرفاً خبری فراتر برده و آن را به ابزاری تأثیرگذار برای درگیر ساختن ذهن و احساس مخاطب تبدیل می‌کند (طباطبایی، ۵۹/۱۳). در این سوره، خداوند با بهره‌گیری از عبارات سرشار از عاطفه، محبت، هشدار، سرزنش و امیدبخشی، فضای ارتباطی ویژه‌ای میان وحی و انسان ایجاد می‌کند که تحلیل دقیق آن، کارکرد روان‌شناختی زبان قرآن را آشکار می‌سازد.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های کنش عاطفی در این سوره، آیه ۱۱۰ است که می‌فرماید: «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ» (بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را که بخوانید، نام‌های نیکو از آن اوست).

این آیه با تأکید بر اسماء حسنی خداوند، فضایی سرشار از محبت، رحمت و مهربانی ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که زبان قرآن، با معرفی خداوند از منظر عاطفی، ترس و اضطراب صرف را کاهش داده و احساس نزدیکی و اطمینان را در مخاطب برمی‌انگیزد (طبرسی، ۱۰۲/۶).

از سوی دیگر، آیات متعددی در این سوره وجود دارد که در قالب هشدار یا سرزنش، حالات عاطفی نظیر تأسف، دلسوزی یا خشم الهی نسبت به رفتارهای انحرافی بشر را بیان می‌کند. برای نمونه، در آیه ۱۱ سوره الاسراء آمده است: «وَيَذِئُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (و انسان، همان‌گونه که برای خود خیر می‌طلبد، [گاه] برای خود بدی

می‌طلبند؛ و انسان همیشه شتاب‌زده است)

در این آیه، خداوند با زبانی آمیخته به تأسف و بیان ضعف انسان، مخاطب را متوجه نقص‌های رفتاری خود می‌کند. این کنش عاطفی، نه تنها بیان‌کننده احساس الهی نسبت به شتاب‌زدگی بشر است، بلکه در سطح روان‌شناسی ارتباطی، تأثیر عمیقی در خودآگاهی و اصلاح رفتار انسان دارد (فخررازی، التفسیر الکبیر، ۱۱۷/۲۰).

کنش‌های عاطفی در سوره اسراء، گاه در قالب محبت و بشارت، و گاه در قالب تهدید یا هشدار مطرح می‌شود. این دوگانگی، بخشی از استراتژی زبانی قرآن برای ایجاد توازن میان خوف و رجا در مخاطب است؛ به گونه‌ای که امید به رحمت الهی و ترس از عواقب انحراف، هم‌زمان در ذهن مخاطب تثبیت می‌شود. برای مثال، در آیه ۵۴ سوره اسراء، خداوند می‌فرماید: «رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يَشَاءُ يَرْحَمَكُمُ أَوْ إِنَّ يَشَاءُ يُعَذِّبُكُمْ» (پروردگار شما به شما آگاه‌تر است؛ اگر بخواهد بر شما رحم می‌کند و اگر بخواهد شما را عذاب می‌کند).

این آیه در عین حال که هشدارآمیز است، فضای عاطفی دوگانه‌ای ایجاد می‌کند که مخاطب را میان ترس از عذاب و امید به رحمت قرار می‌دهد. این فضای عاطفی، بخشی از مهندسی روانی زبان قرآن است که در سوره اسراء به‌وضوح دیده می‌شود (زمخشری، ۳۴۵/۲).

نکته مهم آن است که کنش‌های عاطفی قرآن، برخلاف برداشت برخی، صرفاً جنبه احساسی ندارد، بلکه کارکرد تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی دارد. خداوند با به‌کارگیری این کنش‌ها، نه تنها احساسات مخاطب را برمی‌انگیزد، بلکه ذهن او را آماده پذیرش حقیقت، تغییر نگرش و اصلاح رفتار می‌کند (Searle, p. 70).

در سوره الاسراء، این کنش‌های عاطفی به‌ویژه در موضوعاتی چون سرنوشت اقوام پیشین، آینده بشریت، تأکید بر عدالت، و دعوت به عبودیت مشاهده می‌شود. بیان احساسات خداوند نسبت به ظلم، فساد، شتاب‌زدگی یا بی‌توجهی انسان، نمونه‌های روشنی از حضور کنش عاطفی در این سوره است که فهم آن، به کشف ابعاد پنهان زبان قرآن کمک می‌کند.

در نتیجه، کنش‌های اعلانی در سوره اسراء، بخشی جدایی‌ناپذیر از مهندسی زبانی قرآن

است که نشان می‌دهد وحی، علاوه بر انتقال معنا، ابزاری برای تغییر و تثبیت وضعیت‌های معرفتی، اجتماعی و وجودی است. تحلیل این کنش‌ها با رویکرد سرل، لایه‌های پنهان و عملگرایانه زبان قرآن را روشن می‌سازد و ظرفیت‌های علمی تازه‌ای برای فهم تأثیرگذاری وحی فراهم می‌کند.

۳-۵. کنش اعلامی در سوره الاسراء

در نظریه کنش‌های گفتاری سرل، کنش اعلانی (Declaratives) یکی از پیچیده‌ترین و اثرگذارترین انواع کنش‌های زبانی است. در این نوع کنش، گوینده با صرف بیان یک جمله، تغییری در واقعیت اجتماعی، حقوقی یا معرفتی ایجاد می‌کند (Searle, p. 66). به عبارت دقیق‌تر، کنش اعلانی زمانی رخ می‌دهد که یک سخن، خودش متضمن تحقق یک وضعیت جدید باشد؛ همانند اعلام حکم، تغییر موقعیت حقوقی، تعیین تکلیف نهایی یا تثبیت یک وضعیت اجتماعی. زبان قرآن، به ویژه در سوره اسراء، از این ظرفیت زبانی به خوبی بهره می‌گیرد و با به‌کارگیری کنش‌های اعلانی، ساختار اجتماعی، معرفتی و حتی هستی‌شناختی تازه‌ای را در ذهن و زندگی مخاطبان ایجاد می‌کند.

سوره اسراء، که با محوریت هدایت اخلاقی، اجتماعی و تبیین جایگاه انسان و جهان تنظیم شده است، نمونه‌های برجسته‌ای از کنش‌های اعلانی را در خود جای داده که نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت ساختارهای معرفتی قرآن ایفا می‌کند (طباطبایی، ۱۳/۵۶). این کنش‌ها، نه صرفاً گزارش‌دهنده، بلکه تغییردهنده واقعیات هستند؛ به این معنا که پس از بیان این سخنان از سوی خداوند، وضعیت حقوقی، اجتماعی یا معرفتی مخاطب دگرگون می‌شود. از مهم‌ترین نمونه‌های کنش اعلانی در این سوره، آیه ۸۴ است: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَمَلًا شَاقِلَةً فَرَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (بگو هر کس بر اساس روش و منش خود عمل می‌کند، و پروردگارتان آگاه‌تر است که چه کسی هدایت‌یافته‌تر است).

در این آیه، خداوند به صورت اعلانی، وضعیت هستی‌شناختی و معرفتی انسان‌ها را

مشخص می‌کند؛ یعنی هر کس طبق شخصیت و طریقه خود عمل می‌کند و داوری نهایی، در اختیار خداوند است. این بیان، ساختار ادراکی مخاطب را تغییر داده و او را در برابر مسئولیت شخصی و معیار الهی قرار می‌دهد (فخر رازی، ۱۳۳/۲۰).

کنش‌های اعلانی قرآن، به ویژه در سوره الاسراء، نقش مهمی در تثبیت حقایق اجتماعی یا هشدار نسبت به عواقب رفتارها دارند. برای مثال، در آیه ۱۶ آمده است: «فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (پس سخن [عذاب] بر آن قریه محقق شد و آن را به شدت نابود ساختیم) عبارت «فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ» بیانگر یک کنش اعلانی است که پس از آن، وضعیت قریه به صورت رسمی وارد مرحله عذاب و نابودی می‌شود. این جمله، صرفاً خبری نیست، بلکه خود تحقق بخش یک وضعیت جدید است که با بیان آن، تغییر واقعی در هستی و سرنوشت مردم آن قریه رخ می‌دهد (زمخشری، ۳۲۶/۲).

کنش‌های اعلانی در سوره اسراء، گاه در قالب وعده‌های قطعی الهی، گاه در شکل تهدیدات حتمی و گاه در تعیین وضعیت نهایی انسان بیان می‌شود. برای نمونه، در آیه ۱۰۴ سوره الاسراء می‌خوانیم: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا» (و هنگامی که وعده آخرت فرا رسد، شما را دسته‌جمعی گرد می‌آوریم).

در اینجا، بیان وعده آخرت و گردآوری انسان‌ها، کنش اعلانی قطعی خداوند است که با اعلام آن، تحقق یک واقعیت در آینده تثبیت می‌شود. این نوع بیان، نه تنها آینده‌شناسی، بلکه بخشی از مهندسی معرفتی و هستی‌شناختی قرآن را رقم می‌زند (مکارم شیرازی، ۹۶/۱۲).

بررسی این کنش‌ها نشان می‌دهد که زبان قرآن، به ویژه در سوره الاسراء، فراتر از انتقال معنا یا توصیه اخلاقی، کارکرد تغییردهنده در واقعیت اجتماعی و معرفتی دارد. از منظر نظریه سِرل، این سطح از زبان، بیانگر قدرت عملکردی کلام است؛ به این معنا که سخن خداوند، خود عمل است و با بیان آن، وضعیت جدیدی محقق می‌شود (Searle, p. 69).

در فضای سنت تفسیری، برخی از مفسران نظیر طبرسی و طباطبایی، به تأثیر قطعی برخی آیات اشاره کرده‌اند، اما تفکیک روشمند کنش‌های اعلانی و تحلیل علمی آن‌ها بر

اساس زبان‌شناسی مدرن، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۴۰۳ق؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴).

تحلیل کنش‌های اعلانی، اهمیت دوچندانی در فهم جایگاه قرآن به عنوان متن مؤثر و عمل‌ساز پیدا می‌کند. در این تحلیل، روشن می‌شود که قرآن صرفاً کتاب تعلیم یا هدایت نظری نیست، بلکه با زبان خود، تحولات واقعی در جامعه، ذهن و حتی هستی انسان ایجاد می‌کند. سوره اسراء با بهره‌گیری از این کنش‌ها، هم به تثبیت نظام اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد، هم ساختار باور دینی را تحکیم می‌بخشد و هم مخاطب را در برابر پیامدهای قطعی اعمالش قرار می‌دهد.

در نتیجه، کنش‌های اعلانی در سوره اسراء، بخشی جدایی‌ناپذیر از مهندسی زبانی قرآن است که نشان می‌دهد وحی، علاوه بر انتقال معنا، ابزاری برای تغییر و تثبیت وضعیت‌های معرفتی، اجتماعی و وجودی است. تحلیل این کنش‌ها با رویکرد سرل، لایه‌های پنهان و عملگرایانه زبان قرآن را روشن می‌سازد و ظرفیت‌های علمی تازه‌ای برای فهم تأثیرگذاری وحی فراهم می‌کند.

۴. بررسی و تحلیل بسامدی کنش‌ها در سوره اسراء

در میان کنش‌های مطرح شده در آیات سوره اسراء کنش اظهاری دارای بیشترین بسامد است و دلیل این کاربرد و بسامد زیاد، جملات خبری زیادی است که در سوره اسراء استفاده شده است و نیز افعال امر و نهی زیادی که در این سوره وجود دارد و در قالب آیات الاحکام، قصص، آیات مربوط به توحید، معاد و... سعی در گرایش دادن انسان به اعمال و رفتار نیک دارد. کنش ترغیبی کنش مهم و پربسامد بعدی است که در آیات این سوره، کنش ترغیبی در شکل و قالب ترغیب انسان به مثبت‌های اخلاقی، موضوع هدایتی بیان می‌شود. توضیح بیشتر اینکه در کنش ترغیبی که کنشی بسیار مهم است، به نحوی سخن به میان می‌آید که انسان میل به انجام عمل نیک پیدا کند. کنش پرکاربرد بعدی کنش

تعهدی است که در آیات سوره اسراء در قالب تعهدهایی که خداوند به انسان می‌دهد (همانند وعده بهشت) و تعهدهایی که از او می‌گیرد، تجلی یافته است. کنش عاطفی نیز در سوره اسراء در قالب بیان احساساتی نظیر غم، شادی و.. در سوره اسراء تجلی یافته است. کنش اعلانی نیز در قالب و شکل بیان روحیات و حالات تازه مخاطب در سوره اسراء خود را نشان داده است. به طور کلی می‌توان بیان داشت بسامد زیاد کنش اظهاری در این سوره نشانگر توصیفات مختلفی است که در موضوعات گوناگون در درجه نخست توحیدی در این سوره مطرح گردیده است. در جدول زیر، بسامد و فراوانی کنش‌ها در سوره اسراء بیان شده است:

نام کنش	بسامد کنش
کنش اظهاری	آیات ۱۰؛ ۱۲-۱۳؛ ۱۴؛ ۱۶؛ ۱۷؛ ۱۸؛ ۱۹؛ ۲۰؛ ۲۲؛ ۲۵؛ ۲۶؛ ۳۰؛ ۳۵؛ ۳۷؛ ۳۹؛ ۴۰؛ ۴۱؛ ۴۳؛ ۴۵؛ ۴۶؛ ۴۷؛ ۴۸؛ ۵۲؛ ۵۳؛ ۵۴؛ ۵۵؛ ۵۶؛ ۵۷؛ ۶۰-۶۵؛ ۶۷-۷۰؛ ۷۱-۸۰؛ ۸۳-۸۴؛ ۸۶-۹۰؛ ۹۱-۹۹؛ ۱۰۲؛ ۱۰۳-۱۰۶؛ ۱۰۷-۱۱۱.
کنش ترغیبی	آیات ۷؛ ۱۵؛ ۲۱؛ ۲۳ و ۲۴؛ ۳۱ تا ۳۴
کنش تعهدی	آیات ۹؛ ۴۹ تا ۵۱؛ ۸۱
کنش عاطفی	آیات ۱۱؛ ۲۲؛ ۴۳؛ ۶۶؛ ۸۲ و ۱۰۰
کنش اعلامی	آیات ۱؛ ۴؛ ۵؛ ۵۸؛ ۸۵ و ۱۰۱؛ ۱۰۴.

نتایج مقاله

با بررسی و تحلیل کنش‌های موجود در سوره اسراء، نتایج و دستاوردهای زیر حاصل گردید:

- بیشترین کاربرد کنش در سوره اسراء مربوط به کنش اظهاری است. کنش اظهاری که جهت توصیف حالت و یا حادثه‌ای است و گوینده اعتقاد خویش را در زمینه صحت و سقم یک موضوع بیان می‌دارد و بیشتر در قالب‌های خبری بیان می‌شود و در آیات مختلفی از

سوره اسراء تجلی دارد.

- دومین کنش پرکاربرد در سوره اسراء، کنش ترغیبی است که مخاطب را به انجام یک عمل تشویق و ترغیب نماید. ترغیب به احسان، ترغیب به هدایت‌پذیری، ترغیب به نیکی کردن به پدر و مادر، بیان ترغیب‌ها در قالب فعل‌های امری و... کاربرد کنش ترغیب در سوره اسراء است.

- سومین کنش پرکاربرد در این سوره کنش تعهدی است. کنش تعهدی متعهد نمودن خود گوینده در راستای انجام عملی در آینده است و گوینده با سوگند خوردن و نظایر آن متعهد می‌شود تا عملی را انجام بدهد. به عنوان مثال در سوره اسراء، خدای تعالی قرآن را مایه شفای همگان دانسته و نیز تعهد داده که حق ماندنی و باطل نابودشدنی است.

- کنش بعدی کنش عاطفی است. از طریق این کنش گوینده احساس خویش را نظیر قدردانی، عذرخواهی، تبریک یا ناسزا بیان می‌دارد. کنش عاطفی در سوره اسراء بیشتر با بیان حالات انسان و نیز بیان اوصاف الهی در فواصل آیات سوره خود را نشان داده است.

- نیز در چند آیه از سوره کنش اعلامی به کار رفته است که برای اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. اعلان معجزه‌های الهی و نیز اعلان موجودیت برخی پدیده‌ها نظیر روح، شواهدی از این کنش در سوره اسراء است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر. التحرير و التنبير. بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۳. اصطهباناتی، لیدا. تحلیل کنش گفتاری پاره‌ای از متون سیاسی معاصر (رساله کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶.
۴. بختیاری، زاله. بررسی کنش‌های گفتاری مولوی در دفتر اول و دوم مثنوی معنوی با تأکید بر کنش‌های گفتاری عمل روایت. استاد راهنما: پارسا یعقوبی، دانشگاه کردستان، ۱۳۹۰.
۵. بغوی، حسین بن مسعود. معالم التنزیل. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۶. بقاعی، ابراهیم بن عمر. نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۷. جعفری، یعقوب. تفسیر کوثر، قم: هجرت، ۱۳۷۵.
۸. حسینی همدانی، محمد. انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ق.
۹. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی. تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۱۰. خسروی، نوشین. بررسی کنش‌های گفتاری در دو رمان فارسی «سمفونی مردگان» و «چراغ را من خاموش می‌کنم»، بر اساس نظرات آستین و سِرل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام، ۱۳۹۶.
۱۱. خیرآبادی، رضا و سامتی، سامان. مقدمات زبان‌شناسی (با تمرکز بر رویکردهای بین رشته‌ای). تهران: کتابخانه فرهنگ، ۱۳۹۵ش.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۳. سِرل، جان آر. افعال گفتاری. ترجمه م. ع. عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ قرآنی، ۱۹۶۹م.
۱۴. سید قطب. فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ق.
۱۵. صفوی، کوروش. درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر، ۱۳۸۷ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیرالقرآن. تهران: فراهانی، ۱۳۷۲ش.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. تفسیر جوامع الجامع. مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۵ش.
۱۹. عبداللہیان، حمید و باقری، علی اصغر. کنش‌های گفتاری پنج‌گانه در شعر صدای پای آب سپهری. مجله زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۵، شماره ۸۲، ۱۳۹۴ش.
۲۰. قبادی، سمیه و قبادی، حنیفه. بررسی کنش‌های گفتاری در نمایش‌نامه مرگ یزدگرد بر اساس آرای سِرل. نهمین همایش کلی متن‌پژوهی ادبی، ۱۴۰۰ش.
۲۱. قرشی بنابی، علی اکبر. تفسیر احسن الحدیث. تهران: بعثت، ۱۳۷۵ش.
۲۲. کاظمی، فروغ و جمشیدی، سپیده. نظریه کنش‌های گفتاری در فارسی و انگلیسی. تهران: داستان، ۱۳۹۵ش.
۲۳. مراغی، احمد مصطفی. تفسیر مراغی. بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۵. مغنیه، محمدجواد. تفسیر کاشف. قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸ش.
۲۶. ون دایک، تتون ان، گفتمان شناسی رایج و انتقادی. ترجمه میرفرخایی و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲ش.

27. Austin, j. l. The structure of modern English: A Linguistic introduction, Vol. l, john Benjamins

publishing co, Amsterdam, 1979.

28. Searl, J.r. 1969. Speechacts, Cambridge university press.

